



A Comparative Inquiry into Criminal Profiling in Forensic and Religious Psychology: Presenting a Model for Addressing Sinful Offenders in Qur'anic and Islamic Teachings

Seyed MohammadReza Mousavifard¹ , Maryam Forati² 

¹ Department of Criminal Law and Criminology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran
(Corresponding author). mousavifard136394@gmail.com

² Department of Criminal Law and Criminology, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran. Ma.forati@yahoo.com

Abstract

The aim of this research is to conduct a comparative study of the perspectives of forensic psychology and Qur'anic-Islamic teachings regarding the treatment of offenders. This study seeks to align the scientific tool of criminal profiling with religious teachings on repentance (tawbah), reform (islāh), and reintegration into society, in order to propose a humane and effective model for criminal policymaking that preserves justice while facilitating offender rehabilitation and reducing recidivism. The central question addressed is how criminal profiling can be integrated with religious foundations to develop a combined model that observes legal and deterrent aspects while also adopting a reform-oriented and preventive outlook. The study further examines the capacities of Islamic teachings—such as repentance and forgiveness ('afw)—in synergy with forensic psychological tools to formulate a balanced penal policy. The research method is descriptive-analytical, based on the review of library resources and scientific documents. Data were collected from authoritative religious sources, including the Holy Qur'an, Islamic traditions (riwāyāt), and jurisprudential works, as well as from scholarly books and articles in the fields of criminology and forensic psychology. The sources were selected based on criteria such as academic credibility, publication within the past twenty years, and direct relevance to the subject matter. The stages of research included gathering materials from university libraries and academic databases, categorizing them into religious and psychological groups, and conducting a comparative analysis of key concepts such as criminal personality, repentance, and reform. Content analysis was employed to extract commonalities and differences, which were then used to construct a theoretical framework for the integrated model. A limitation of this approach was its reliance on existing sources

Cite this article: Mousavifard, S.M.R. & Forati, M. (2023). A Comparative Inquiry into Criminal Profiling in Forensic and Religious Psychology: Presenting a Model for Addressing Sinful Offenders in Qur'anic and Islamic Teachings. *Quran and Psychology*, 2(1), p. 71-94.

Received: 2022-10-16 ; **Revised:** 2022-12-21 ; **Accepted:** 2023-02-07 ; **Published online:** 2023-04-04

© The Author(s).

Article type: Research Article

Publisher: Baqir al-Olum University



and the absence of field research, owing to the theoretical nature of the topic. The findings revealed that Qur'anic principles such as repentance, reform, forgiveness, justice, and the preservation of human dignity possess significant capacity for alignment with forensic psychological tools, particularly criminal profiling. Criminal profiling, through analyzing the psychological and behavioral characteristics of offenders, enables a more precise understanding of the causes of crime and facilitates the design of effective interventions. Conversely, Islamic teachings emphasize moral reform and the reintegration of offenders into society through repentance and religious training. The comparative analysis indicated that both approaches, rather than focusing solely on punishment, prioritize understanding the root causes of crime and the rehabilitation of offenders. This synergy can yield criminal policies that not only preserve social order but also prevent recidivism by providing opportunities for reform. For instance, the integration of criminal profiling with the doctrine of repentance can assist in identifying offenders with the potential for reform and in designing rehabilitation programs tailored to their personality traits. The fusion of criminal profiling with Islamic principles may thus lead to an innovative and humane model for addressing offenders that, while ensuring justice, emphasizes rehabilitation and crime prevention. This integrated model, by combining the scientific insights of forensic psychology with the moral-spiritual wisdom of Islam, proposes criminal policies that render punishments purposeful, proportionate, and humane. Such an approach is not only effective in maintaining social order but also prevents offenders from re-entering the cycle of crime by enhancing human dignity and offering opportunities for reform. For greater effectiveness, it is recommended that this model be complemented with empirical and field studies in order to examine its practical applicability within judicial systems. This convergence can contribute to the improvement of criminal justice systems in both Islamic and non-Islamic societies.

Keywords: Islamic Teachings, Criminal Profiling, Repentance (Tawbah), Crime, Offender, Forensic Psychology, Criminal Justice, Religious Psychology.



جستاری بر تطبیق پروفایل کیفری در روانشناسی جنایی و دینی: ارائه الگوی نحوه برخورد با مجرمین گنهکار در آموزه‌های قرآنی و اسلامی

سید محمدرضا موسوی فرد^۱، مریم فراتی^۲

^۱ گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران (نویسنده مسئول).

mousavifard136394@gmail.com

^۲ گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

Ma.forati@yahoo.com

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی تطبیقی دیدگاه‌های روان‌شناسی جنایی و تعالیم قرآنی-اسلامی در نحوه برخورد با مجرمین بوده است. این مطالعه درصدد است تا با تطبیق ابزار علمی پروفایل جنایی با آموزه‌های دینی در زمینه توبه، اصلاح و بازگشت به جامعه، الگویی انسانی و کارآمد برای سیاست‌گذاری کیفری ارائه دهد که ضمن حفظ عدالت، به بازپروری مجرم و کاهش تکرار جرم کمک کند. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش بوده که چگونه می‌توان از طریق پیوند پروفایل جنایی با مبانی دینی، به مدلی تلفیقی دست یافت که هم جنبه‌های قانونی و بازدارنده را رعایت کند و هم نگاهی اصلاح‌محور و پیشگیرانه داشته باشد. همچنین به بررسی ظرفیت‌های آموزه‌های اسلامی، مانند توبه و عفو، در هم‌افزایی با ابزارهای روان‌شناسی جنایی برای ایجاد سیاستی کیفری متوازن پرداخته شده است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر بررسی منابع کتابخانه‌ای و اسناد علمی بوده است. داده‌ها از متون دینی معتبر از جمله قرآن کریم، روایات اسلامی و کتب فقهی، و همچنین مقالات و کتب علمی در حوزه جرم‌شناسی و روان‌شناسی جنایی گردآوری شدند. منابع با معیارهایی نظیر اعتبار علمی، تاریخ انتشار (طی بیست سال گذشته) و ارتباط مستقیم با موضوع انتخاب شدند. مراحل تحقیق شامل جمع‌آوری منابع از کتابخانه‌های دانشگاهی و پایگاه‌های داده علمی، دسته‌بندی آنها به دو گروه دینی و روان‌شناختی، و تحلیل تطبیقی مفاهیم کلیدی مانند شخصیت مجرم، توبه و اصلاح بود. تحلیل محتوا برای استخراج نقاط اشتراک و تفاوت‌ها به کار گرفته شد، تا چارچوبی نظری برای مدل تلفیقی تدوین گردد. محدودیت این روش، وابستگی به منابع موجود و عدم امکان پژوهش میدانی به دلیل ماهیت نظری موضوع بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که اصول قرآنی مانند توبه، اصلاح، عفو، عدالت و حفظ کرامت انسانی، ظرفیت بالایی برای هم‌راستاسازی با ابزارهای روان‌شناسی جنایی، به‌ویژه پروفایل جنایی داشتند. پروفایل جنایی با تحلیل ویژگی‌های روانی و رفتاری مجرم، امکان شناخت دقیق‌تر علل جرم و طراحی مداخلات مؤثر را فراهم کرد. از سوی دیگر، آموزه‌های

استناد به این مقاله: موسوی‌فرد، سید محمدرضا؛ فراتی، مریم (۱۴۰۲). جستاری بر تطبیق پروفایل کیفری در روانشناسی جنایی و دینی: ارائه الگوی نحوه برخورد با مجرمین گنهکار در آموزه‌های قرآنی و اسلامی. *قرآن و روانشناسی*، ۱(۲)، ص ۹۴-۷۱.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۱/۱۵

ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع)

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان



اسلامی بر اصلاح اخلاقی و بازگشت مجرم به جامعه از طریق توبه و تربیت دینی تأکید داشتند. بررسی تطبیقی نشان داد که هر دو رویکرد، به جای تمرکز صرف بر مجازات، به درک علل ریشه‌ای جرم و بازپروری مجرم اهمیت داده‌اند. این هم‌افزایی می‌تواند به سیاست‌های کیفری منجر شود که نه تنها نظم اجتماعی را حفظ کند، بلکه با ارائه فرصت‌های اصلاحی، از تکرار جرم نیز جلوگیری شود. برای مثال، ترکیب پروفایل جنایی با آموزه‌های توبه می‌تواند به شناسایی مجرمانی با پتانسیل اصلاح و طراحی برنامه‌های بازپروری متناسب با شخصیت آنها کمک کند. تلفیق پروفایل جنایی با اصول اسلامی می‌تواند به الگویی نوین و انسانی برای مواجهه با مجرمین منجر شود که در عین رعایت عدالت، بر بازپروری و پیشگیری از جرم تمرکز دارد. این مدل تلفیقی، با بهره‌گیری از شناخت علمی روان‌شناسی جنایی و بصیرت اخلاقی-معنوی اسلام، سیاست‌های کیفری‌ای را پیشنهاد می‌دهد که مجازات‌ها را هدف‌مند، متناسب و انسانی می‌سازد. این رویکرد نه تنها در حفظ نظم اجتماعی اثربخش است، بلکه با تقویت کرامت انسانی و ارائه فرصت‌های اصلاحی، از بازگشت مجرم به چرخه جرم جلوگیری می‌کند. برای اثربخشی بیشتر، پیشنهاد می‌شود این مدل با مطالعات میدانی و تجربی تکمیل شود، تا کاربرد عملی آن در نظام‌های قضایی بررسی گردد. این همگرایی می‌تواند به بهبود نظام عدالت کیفری در جوامع اسلامی و حتی غیراسلامی کمک کند.

کلیدواژه‌ها: آموزه‌های اسلامی، پروفایل جنایی، توبه، جرم، مجرم، روان‌شناسی جنایی، عدالت کیفری، روانشناسی دینی.

۱. مقدمه

عدالت، به عنوان یکی از بنیادی‌ترین اصول در نظام‌های حقوقی، دینی و اجتماعی، همواره نقش کلیدی در تعیین نحوه مواجهه با بزهکاران ایفا می‌کند (حبیب‌زاده، ۱۳۹۷). این مفهوم در رفتار افراد با یکدیگر، در تعاملات حکومت با جامعه و در قراردادها و رسوم اجتماعی حاکم بر روابط افراد نمود می‌یابد (رحمدل، ۱۳۹۶). عدالت با یکسانی رفتار در شرایط مشابه و تناسب رفتار در شرایط متفاوت، با توجه به توانایی، استحقاق و نیازهای افراد تحقق می‌یابد (نجنفی ابرنآبادی، ۱۳۹۴). در بُعد فردی، عدالت به هماهنگی و توازن روحی و اخلاقی اشاره دارد که مانع از انحرافات بزرگ و اصرار بر خطاهای کوچک می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰). این ویژگی، ریشه در طبیعت متعادل نفس انسانی دارد که در صورت انحراف، تمایل به بازگشت به حالت اعتدال را حفظ می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶). در بُعد اجتماعی، عدالت به معنای نبود ظلم، برقراری مساوات، و ایجاد تعادل در روابط اجتماعی است (قدسی و همکاران، ۱۴۰۰). در طول تاریخ، جوامع مختلف کوشیده‌اند تا میان تأمین امنیت عمومی، اجرای عدالت، و حفظ کرامت انسانی، تعادلی منطقی برقرار کنند (Tonry, 2011). نظام‌های کیفری رایج اغلب بر بازدارندگی، تنبیه، و طرد مجرمان تمرکز دارند (Bartol & Bartol, 2021)؛ اما آموزه‌های اسلامی، نگاهی جامع‌تر ارائه می‌دهند که مجرم را نه صرفاً تهدیدی اجتماعی، بلکه انسانی با ظرفیت اصلاح و بازگشت به جامعه می‌دانند (ابراهیمی، ۱۴۰۰).

در نظام اسلامی، اجرای مجازات‌های مقرر با تأکید بر امکان توبه، اصلاح، تربیت اخلاقی، و بازگرداندن فرد به مسیر صحیح زندگی همراه است (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲). آیات قرآن کریم، مانند: «فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» (شوری: ۴۰) و «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء، ۷۰)، حفظ کرامت انسانی را حتی در مواجهه با گناه یا جرم، اصلی اساسی تلقی می‌کنند (قدسی و همکاران، ۱۴۰۰). این نگاه اصلاح‌گرایانه، نظام اسلامی را از بسیاری از نظام‌های حقوقی صرفاً کیفری متمایز می‌سازد؛ زیرا نه تنها به تأدیب بزهکار از طریق مجازات توجه دارد، بلکه حقوق بزه‌دیده و حفظ کرامت انسانی هر دو طرف را در فرآیند احقاق حق، مدنظر قرار می‌دهد (ابراهیمی، ۱۴۰۰). در این راستا، ابزارهایی مانند پروفایل جنایی، که برای تحلیل شخصیت و رفتار مجرم به کار می‌روند، نباید به اقدامات فراقانونی منجر گردند؛ بلکه باید در چارچوب اصول اسلامی به کار گرفته شوند (سرخوش و حسن‌پور اصیل، ۱۳۹۹).

در روانشناسی جنایی، تحلیل علمی رفتار مجرمانه با استفاده از ابزارهایی مانند پروفایل جنایی، جایگاه ویژه‌ای دارد (Bartol & Bartol, 2021). این رویکرد، فراتر از مجازات، به شناسایی علل ریشه‌ای جرم، انگیزه‌های روانی، و راهکارهای پیشگیری و بازپروری توجه دارد (Jacobsson, 2023). پروفایل جنایی با تحلیل ویژگی‌های روان‌شناختی و رفتاری مجرم، امکان پیش‌بینی رفتارهای آینده و طراحی مداخلات مؤثر را فراهم می‌کند (Kaya & et al., 2023). تلاقی این ابزار علمی با تعالیم اخلاق محور

اسلام می‌تواند به الگویی تلفیقی منجر شود که ضمن رعایت عدالت، به اصلاح و بازسازی اخلاقی مجرم کمک کند (آقاپور و پورجمال، ۱۴۰۰). این هم‌افزایی به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند پیشگیری از تکرار جرم و ارتقاء کرامت انسانی، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است (قدسی و همکاران، ۱۴۰۰).

صالح حسن‌زاده (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای با تکیه بر قرآن کریم، بر اولویت توقف خشونت و برقراری صلح در مواجهه با بغات تأکید کرد. ارمی و وحدتی شبیری (۱۳۹۸) در بررسی مبانی دام‌گستری در متون دینی، نتیجه گرفتند که این روش تنها در موارد خاص و تا رفع ضرورت مشروع است. جمشیدی (۱۳۹۵) در مطالعه ویژگی‌های منافقان در قرآن کریم، آن‌ها را افرادی با اختلالات روانی و رفتاری توصیف کرده که نفاقشان ناشی از ترس، خودبرتربینی و ضعف‌های اخلاقی است. با این حال، این پژوهش‌ها کمتر به تطبیق ابزارهای علمی مانند پروفایل جنایی با آموزه‌های اسلامی پرداخته‌اند. پژوهش حاضر با تمرکز بر پیوند روانشناسی جنایی و تعالیم اسلامی از طریق ابزار پروفایل جنایی، وجه تمایزی در ارائه الگویی چندبعدی دارد که هم اجرای عدالت و هم بازپروری و اصلاح اخلاقی مجرم را مد نظر قرار می‌دهد. این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال است که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از مفهوم پروفایل جنایی، میان آموزه‌های اسلامی و روانشناسی جنایی پیوند برقرار کرد تا الگویی نوین و اثربخش در نحوه مواجهه با مجرمان ارائه شود؟ هدف پژوهش حاضر ارائه مدلی تلفیقی است که ضمن حفظ جنبه‌های قانونی و بازدارنده، به اصلاح، بازپروری و ارتقاء اخلاقی مجرم توجه داشته باشد.

۲. روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی بوده که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی صورت گرفته است. این روش با هدف بررسی تطبیقی میان مفاهیم روانشناسی جنایی، به‌ویژه ابزار پروفایل جنایی و آموزه‌های قرآنی-اسلامی در زمینه بازپروری مجرمان انتخاب شده است. داده‌های مورد استفاده شامل متون دینی معتبر نظیر قرآن کریم، روایات اسلامی و کتب فقهی، به‌همراه مقالات و کتب علمی در حوزه جرم‌شناسی و روانشناسی جنایی است. منابع کتابخانه‌ای با معیارهایی مانند اعتبار علمی، تاریخ انتشار (طی بیست سال گذشته) و ارتباط مستقیم با موضوع پژوهش (بازپروری و پروفایل جنایی) انتخاب شدند. مراحل تحقیق شامل جمع‌آوری منابع از کتابخانه‌های دانشگاهی و پایگاه‌های داده علمی، دسته‌بندی آنها به دو گروه اصلی (دینی و روان‌شناختی) و سپس، تحلیل تطبیقی بود. در مرحله تحلیل، ابتدا مفاهیم کلیدی مانند شخصیت مجرم، توبه و اصلاح در هر دو رویکرد شناسایی شد. سپس، با استفاده از روش تحلیل محتوا، نقاط اشتراک و تفاوت‌ها استخراج و در چارچوبی نظری برای ارائه مدل تلفیقی تدوین گردید. این چارچوب بر پایه مقایسه کیفی و استنتاج از داده‌های اسنادی استوار است و تلاش دارد تا الگویی کاربردی برای نظام عدالت کیفری ارائه دهد. محدودیت این روش، وابستگی به

منابع موجود و عدم امکان انجام پژوهش میدانی به دلیل ماهیت نظری موضوع است، که در آینده می‌تواند با مطالعات تجربی تکمیل شود.

۳. یافته‌های تحقیق

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام‌های عدالت کیفری در جوامع مختلف، نحوه صحیح و انسانی مواجهه با مجرم پس از ارتکاب جرم است؛ به گونه‌ای که نه تنها امنیت اجتماعی حفظ شود، بلکه بستر بازپروری و بازگشت فرد بزهکار به جامعه نیز فراهم گردد. از همین‌رو، پرسش اصلی پژوهش آن است که «چگونه می‌توان از طریق تطبیق پروفایل جنایی با مبانی دینی، به الگویی کارآمد و انسانی برای مواجهه با مجرمین دست یافت؟». این پرسش در صدد است که با تکیه بر دو حوزه معرفتی متفاوت اما مکمل، یعنی روانشناسی جنایی و تعلیم دینی (قرآن و روایات)، مدلی ارائه دهد که ضمن حفظ اصول حقوقی و امنیتی، زمینه اصلاح، بازسازی شخصیت و کاهش بازگشت به جرم را نیز فراهم کند. پروفایل جنایی، به عنوان یکی از ابزارهای مهم تحلیل شخصیت و انگیزه‌های مجرم، در روانشناسی جنایی جایگاهی ویژه دارد. این ابزار، با بررسی ابعاد مختلف شخصیتی، رفتاری و محیطی بزهکار، به شناخت دقیق‌تری از زمینه‌های ارتکاب جرم منجر می‌شود و در نتیجه، کمک می‌کند تا اقدامات قضایی، اصلاحی و بازپرورانه با دقت و اثرگذاری بیشتری انجام شود. در عین حال، آموزه‌های دینی اسلام نیز نگاهی عمیق، انسانی و چندبُعدی به مسئله جرم و بزهکار دارند؛ نگاهی که نه تنها مجازات، بلکه اصلاح، توبه، بازگشت به مسیر درست و حفظ کرامت انسانی را مورد توجه قرار می‌دهد. بررسی تطبیقی این دو رویکرد نشان داد که بین اهداف و روش‌های روانشناسی جنایی و آموزه‌های اسلامی، اشتراکات بنیادینی وجود دارد. هر دو به جای نگاه صرفاً سرکوب‌گرانه، بر درک علل جرم، تحلیل روانی-رفتاری بزهکار، و امکان‌سنجی اصلاح و بازپروری تأکید دارند. آموزه‌هایی چون توبه، اصلاح نفس، عفو و گذشت مشروط به ندامت واقعی، لزوم رعایت عدالت در مجازات‌ها و حفظ شأن و کرامت انسانی حتی در هنگام مجازات، ظرفیت آن را دارند که در چارچوبی علمی و کاربردی در سیاست‌های کیفری به کار گرفته شوند.

پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، در واقع در شناسایی و ترکیب این ظرفیت‌ها نهفته است. اگر بتوان با کمک ابزارهای روانشناسی جنایی، پروفایل روانی و شخصیتی یک مجرم را به درستی استخراج کرد و آن را با مبانی اخلاقی، فقهی و روان‌شناختی دین تطبیق داد؛ آنگاه می‌توان به یک الگوی سیاست‌گذاری کیفری دست یافت که هم جنبه پیشگیرانه دارد، هم اصلاح‌گرانه و هم در چارچوب عدالت اسلامی قرار می‌گیرد. برای مثال، اگر از طریق پروفایل جنایی به این نتیجه برسیم که فردی تحت تأثیر اختلالات روانی یا فشارهای اجتماعی خاصی مرتکب جرم شده و از سوی دیگر، نشانه‌های ندامت، توبه و آمادگی برای اصلاح در او مشاهده شود، آموزه‌های دینی به وضوح توصیه به مدارا، فرصت دوباره و ایجاد بستر برای

بازگشت فرد می‌کنند. به این ترتیب، تطبیق پروفایل جنایی با مبانی دینی، نه صرفاً به معنای افزودن مفاهیم دینی به رویه‌های روان‌شناختی، بلکه به معنای خلق الگویی تلفیقی است که در آن، شناخت علمی از بزهکار با بصیرت اخلاقی و معنوی همراه می‌شود. چنین الگویی می‌تواند به سیاست‌هایی منجر شود که در آن، مجازات‌ها هدف‌مند، متناسب و در عین حال انسانی باشند؛ سیاست‌هایی که ضمن حفظ نظم اجتماعی، به بازسازی فرد و جلوگیری از بازگشت به جرم نیز یاری رسانند. در نهایت، یافته‌های این پژوهش تأکید دارند که نگاه ترکیبی و چندبعدی به مسئله جرم، با تکیه بر روانشناسی جنایی و آموزه‌های دینی، نه تنها امکان‌پذیر، بلکه ضروری است. چراکه بدون درک عمیق از دلایل درونی و زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی جرم، و بدون توجه به ظرفیت‌های انسانی برای اصلاح و توبه، هیچ نظام کیفری نمی‌تواند به عدالت واقعی و پایداری اجتماعی دست یابد.

۴. نتیجه‌گیری

۴-۱. روانشناسی جنایی و شخصیت مجرم

روانشناسی جنایی به عنوان شاخه‌ای میان‌رشته‌ای از علوم رفتاری، درصدد فهم علل، زمینه‌ها و سازوکارهای روانی-شخصیتی ارتکاب جرم است. این علم با بهره‌گیری از نظریه‌های روان‌شناختی و ابزارهای تحلیلی، به شناسایی الگوهای رفتاری و انگیزشی مجرمان می‌پردازد و نقش مؤثری در پیشگیری، شناسایی و بازپروری بزهکاران دارد. در بستر عدالت کیفری، شناخت دقیق شخصیت مجرم-اعم از اختلالات رفتاری، تجربه‌های زیسته و گرایش‌های ضداجتماعی-شرط بنیادین برای اصلاح مؤثر و تصمیم‌گیری عادلانه قضایی تلقی می‌شود. این نگاه علمی، با رویکرد دینی در اصلاح مجرم، نقاط تلاقی مهمی دارد که می‌توان آن را به عنوان پایه‌ای برای هم‌افزایی در نظام‌های قضایی نوین مورد بررسی قرار داد.

۴-۲. نگاه مختصر روانشناسی به مجرم

روانشناسی جنایی به عنوان یک شاخه تخصصی از علم روانشناسی، به مطالعه و تحلیل رفتار، افکار و انگیزه‌های مجرمان می‌پردازد. این حوزه علمی تلاش می‌کند تا علل و عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم را شناسایی کند و به پیشگیری از وقوع جرائم کمک کند. اینجا است که به صورت تخصصی به مفهوم روانشناسی جنایی می‌رسیم. روانشناسی جنایی به بررسی پیچیدگی‌های ذهنی مجرمان می‌پردازد و هدف اصلی آن درک رفتار مجرمانه برای پیشگیری از آن است. این رشته به دنبال پاسخ به سؤالاتی نظیر «چرا برخی افراد مرتکب جرم می‌شوند؟» و «آیا شخصیت جنایی وجود دارد؟» است. معمولاً روانشناسان جنایی از روش‌های مختلفی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده می‌کنند، از جمله:

✦ **مصاحبه:** گفت‌وگو با مجرمان و غیرمجرمان برای درک بهتر رفتارها.

✦ **پرسشنامه‌ها:** استفاده از ابزارهای استاندارد برای ارزیابی ویژگی‌های روانی.

♦ **تحلیل صحنه جرم:** بررسی شواهد موجود در محل وقوع جرم برای استخراج الگوهای رفتاری. روانشناسی جنایی نه تنها بر روی خود مجرمان تمرکز دارد؛ بلکه به بررسی شرایط اجتماعی و فرهنگی که ممکن است منجر به بروز جرم شود نیز توجه می‌کند. این رشته با استفاده از اصول علمی و روان‌شناختی، سعی در پیشگیری از جرائم و ارتقاء امنیت اجتماعی دارد. روانشناسی جرم طی سال‌های اخیر، جنجال‌های زیادی را به راه انداخته؛ زیرا تا حدودی توانسته از وقوع جرائم جلوگیری کرده و بسترهای جرم را شناسایی کند (کریم‌پور و همکاران، ۱۴۰۲). در برخی از جرائم، صرف، رویکردهای جرم‌شناختی پاسخگوی تحلیل اقدامات مجرمانه نیست. مثلاً در تحلیل تروریسم، دیدگاه‌های نرم جرم‌شناسی می‌تواند به صورت موازی مورد استفاده قرار گیرد؛ تا اینکه امید به مقابله با اندیشه‌های تروریستی را قوت بخشد (کارگری، ۱۴۰۲). نظریه‌های جرم‌شناسی معمولاً در قالب‌های جامعه‌شناختی تنظیم می‌شوند؛ اما همیشه مستلزم فرضیات روان‌شناختی هستند. حساب‌های روان‌شناختی، به نوبه خود، مستلزم مفروضاتی درباره «طراحی» تطبیقی مکانیسم‌ها و فرآیندهای ذهنی تکامل یافته است. بنابراین، توجه صریح به نظریه‌ها و تحقیقات اخیر در روانشناسی و تکامل، گاهی اوقات می‌تواند به جرم‌شناسان کمک کند تا فرضیه‌های سازنده ایجاد کنند و از گره‌های کور دوری کنند. مثلاً دیدگاه روان‌شناختی تکاملی، ما را برمی‌انگیزد تا بحث‌های جرم‌شناختی اخیر در مورد تفاوت‌های جنسیتی و الگوهای سنی در جرائم جنایی را نقد کنیم؛ نظریه‌هایی که انتخاب عقلانی را با رفتار عاطفی یا تکانشی مقایسه می‌کنند و معمولاً برای سنجش رفتار ضداجتماعی (حسب مورد) به عنوان یک آسیب‌شناسی هستند (Daly & Wilson, 1997, p. 51). اگر بخواهیم از منظر داده‌های روانشناسی مبتنی بر رویکردهای ایدئولوژیک نیز با قضیه برخورد کنیم؛ چنین خواهد بود که اصل علیت، یکی از اصول فلسفی مهمی است که نه تنها در اشیاء و پدیده‌های طبیعی، بلکه در رفتارهای انسانی و از جمله رفتارهای بزهکارانه نیز جاری است؛ گرچه چگونگی تحلیل آن در رفتارهای انسانی، متفاوت از اشیاء و پدیده‌های طبیعی است. اینجا است که برخی از محققان این مشرب فکری معتقدند که اعتقاد به تعیین یافته بودن رفتار بزهکارانه، نفی اسباب غیرطبیعی در ارتکاب بزهکاری، تغییر موقف از علت غایی به علت فاعلی مادی و تمرکز بر علیت اعدادی به جای علیت حقیقی و ایجاد است (جاویدی، ۱۳۹۷، ص ۶۷).

۴-۳. مفهوم پروفایل جنایی (کیفری)

پروفایل کیفری یا جنایی، به فرآیند شناسایی ویژگی‌های روانی و رفتاری مجرمان اشاره دارد. این علم به بررسی علل رفتارهای مجرمانه و پیش‌بینی رفتارهای آینده آنها می‌پردازد. هدف اصلی این پروفایل سازی، کمک به مجریان قانون در شناسایی و دستگیری مجرمان است. پروفایل سازی شامل جمع‌آوری اطلاعات از صحنه جرم، تحلیل رفتارهای مجرمان و استفاده از داده‌های روان‌شناختی است. روانشناسان جنایی با

استفاده از مصاحبه‌ها، پرسشنامه‌ها و مشاهدات، به شناسایی الگوهای رفتاری می‌پردازند. این فرآیند می‌تواند شامل تجزیه و تحلیل عکس‌های صحنه جرم و بررسی ویژگی‌های شخصیتی مظنونان باشد. بسیاری از پروفایل‌های جنایی براساس داده‌های تجربی پیشین ساخته می‌شوند که برای فهم الگوهای رفتاری و پویایی جرم نقش کلیدی دارند (Turvey, 2011, p. 4). پروفایل کیفری و جنایی، ابزارهای کلیدی در تحقیقات جنایی هستند که به شناسایی و درک بهتر رفتارهای مجرمانه کمک می‌کنند. با استفاده از روش‌های علمی و روان‌شناختی، این حوزه می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری از جرم و بهبود سیستم قضایی ایفا کند. پروفایل جنایی که به‌عنوان پروفایل مجرم نیز شناخته می‌شود، یک ابزار تحقیقاتی استراتژیک است که توسط مجریان قانون برای شناسایی مظنونین بالقوه براساس ویژگی‌های رفتاری و روان‌شناختی ناشی از تجزیه و تحلیل صحنه جرم استفاده می‌شود. این فرآیند شامل موارد ذیل است: ارزیابی خودِ عمل مجرمانه، ارزیابی جامع از مشخصات صحنه (های جنایت)، تجزیه و تحلیل جامع قربانی، و ارزیابی گزارش‌های اولیه پلیس. مراحل اضافی عبارتند از: ارزیابی پروتکل کالبدشکافی پزشکی، ایجاد یک نمایه با ویژگی‌های مهم مجرم، و پیشنهادات تحقیقی براساس ساخت نمایه. پروفایل جنایی به‌ویژه در مذاکره با گروگان‌ها و شناسایی نویسندگان نامه‌های تهدیدآمیز، متجاوزان، آتش‌افروزان و قاتلان جنسی مفید است (Douglas & et al., 1986, p. 9-13). در تعریف دیگر، این مفهوم چنین منعکس شده است: پروفایل جنایی، که به پروفایل مجرم نیز معروف است، یک روش تحقیقاتی است که سازمان‌های مجری قانون از آن برای شناسایی مظنونین احتمالی و ارتباط دادن جرایمی که احتمالاً توسط یک فرد واحد انجام شده‌اند، استفاده می‌کنند (Kirsty & et al., 2007, p. 85). مبتکر پروفایل مدرن، رابرت رسلر، مأمور اف بی آی بود. او پروفایل‌سازی را فرآیند شناسایی تمامی ویژگی‌های روان‌شناختی یک فرد و شکل‌دهی توصیفی کلی از شخصیت آنها براساس تحلیل جنایاتی که مرتکب شده‌اند، تعریف کرد (Bartol & Bartol, 2021, p. 9). فرضیه‌های روان‌شناختی که پایه‌های «پروفایل‌سازی مجرم» را تشکیل می‌دهند، شناسایی شده و تحقیقاتی که آنها را آزمایش کرده‌اند، مرور می‌شوند. استدلال «نمایه مجرم» به‌عنوان اشتقاق استنباط در مورد مجرم از جنبه‌های جرم یا جنایت‌هایی است که مرتکب شده است. برای اینکه این فرآیند فراتر از استنباط مبتنی بر نظر و حکایت شخصی به یک علم مبتنی بر تجربه حرکت کند، تعدادی از جنبه‌های فعالیت مجرمانه باید متمایز و بررسی شوند. مفهوم سلسله‌مراتب تمایز جنایی برای برجسته کردن نیاز به جست‌وجوی سازگاری‌ها و تغییرات در بسیاری از سطوح آن سلسله‌مراتب معرفی شده است (Canter, 2000, p. 23). برخی دیگر معتقدند بررسی توسعه پروفایل جنایی نشان می‌دهد که پروفایل‌سازی هرگز یک فرآیند علمی نبوده است. اساساً مبتنی بر مجموعه‌ای از شهودات عقل سلیم و مفروضات نظری نادرست است، و در عمل به‌نظر می‌رسد چیزی بیش از حدس‌های تحصیل‌کرده و افکار واهی نباشد. در حالی که یافتن مواردی که پروفایل، نقش مهمی در تحقیقات داشته باشد، بسیار

دشوار است. برخی موارد وجود دارد که مشخصاتی همراه با شور و شوق تحقیقاتی و دادستانی، تحقیقات را از مسیر خارج کرده و حتی به تخلفات جدی در عدالت کمک کرده است. در نتیجه، آژانس‌های پلیس باید به دقت بررسی کنند که آیا توسعه توانایی پروفایل سازی جنایی در داخل سازمان یا استفاده از مشاوران خارجی برای ارائه چنین خدماتی، موجه است یا خیر (Devery, 2010, p.393).

۴-۴. جایگاه پروفایل جنایی و روانشناسی جنایی در نظام عدالت کیفری

ابتدا پروفایل جنایی شامل ایجاد یک تصویر روانی و رفتاری از فردی است که احتمالاً مرتکب جرم شده است. این فرآیند به شناسایی الگوهای رفتاری مجرمان و تحلیل شخصیت آنها کمک می‌کند و می‌تواند ابزار مؤثری برای حل پرونده‌های پیچیده باشد. این رویکرد به عنوان یک ابزار مهم در نظام عدالت کیفری، نقش کلیدی در شناسایی و تحلیل رفتارهای مجرمانه ایفا می‌کند. این مفهوم به بررسی ویژگی‌های روانی و رفتاری مجرمان پرداخته و به نهادهای قضایی کمک می‌کند تا با دقت بیشتری به پرونده‌های جنایی رسیدگی کنند. تاکتیک‌ها و روش‌های پلیسی که با رفتارهای مجرمانه سروکار دارند، برخلاف پروفایل نژادی، عموماً به عنوان یک فرآیند قابل قبول شناخته می‌شوند (Whitman, 2020). در حالی که پروفایل جنایی، یک روش قانونی است که توسط بسیاری از سازمان‌های مجری قانون استفاده می‌شود؛ باید با احتیاط برخورد کرد تا از سوگیری‌های احتمالی که می‌تواند از تفسیر نادرست از ویژگی‌های جمعیتی ناشی شود، جلوگیری به عمل آید. برخلاف پروفایل نژادی که غیرقانونی و تبعیض آمیز است، پروفایل جنایی براساس شواهد رفتاری است. با این حال، بحث در مورد اثربخشی و پیامدهای اخلاقی آن در شیوه‌های پلیسی، همچنان ادامه دارد.^۱ در خصوص روانشناسی جنایی^۲ می‌توان گفت: روانشناسی جنایی

1. The usefulness of criminal profiling | Centre for Crime and Justice Studies. (2023). CCJS.

<https://www.crimeandjustice.org.uk/publications/cjm/article/usefulness-criminal-profiling>

۲. حوزه روانشناسی جنایی (Criminal psychology) به مطالعه و بررسی کارکردهای پیچیده ذهن مجرمان می‌پردازد. هدف اصلی رشته روانشناسی جنایی و روانشناس جنایی درک رفتار مجرمان صرفاً به خاطر آگاهی نیست، بلکه هدف اصلی پیشگیری از رفتارهای مجرمانه است. روانشناسی جرم و جنایت، رشته‌ای است که هدف، افکار و واکنش‌های مجرمان را مطالعه می‌کند. تمرکز روانشناسی جنایی عمدتاً در درک رفتار مجرمانه است، چون اگر بتوانیم علت و نشانه‌های رفتار مجرمانه را درک کنیم، می‌توانیم آن را پیش‌بینی و نهایتاً پیشگیری نماییم. رشته روانشناسی جنایی مطالعه مجموعه گسترده‌ای از جنبه‌های مختلف رفتار یک جنایتکار را دربرمی‌گیرد، مانند علل چنین رفتاری، افکار و احساسات پشت آن رفتار و نهایتاً اینکه رفتار مجرمانه معمولاً توسط چه افرادی انجام می‌شود. وانشناسی جنایی در پایان قرن ۱۸ به عنوان یک رشته دانشگاهی جدید در سخنرانی‌ها و انتشارات ظهور کرد. از بسیاری جهات، روانشناسی جنایی را می‌توان آغاز علم جرم شناسی دانست. موضوع آن، تحلیل منشأ جرم و علل و عوامل تعیین‌کننده آن در ذهن انسان است. روانشناسی جنایی در آن زمان جنبه‌های مختلفی مانند فلسفه، پزشکی، حقوق و زیست را دربرمی‌گرفت و در نیمه دوم قرن نوزدهم اهمیت بیشتری نیز پیدا کرد (<https://ravandarman.com/blog/criminal-psychology>).

بر درک فرآیندهای ذهنی پشت رفتار مجرمانه تمرکز دارد. روانشناسان جنایی با مطالعه عوامل روانشناختی مانند انگیزه، ویژگی‌های شخصیتی و مسائل مربوط به سلامت روان، به سازمان‌های مجری قانون کمک می‌کنند تا استراتژی‌های مؤثرتری برای بررسی جرائم و مدیریت مجرمان ایجاد کنند. پروفایل جنایی و روانشناسی جنایی اجزای اساسی استراتژی‌های اجرای قانون مدرن در سیستم عدالت کیفری^۱ هستند. آنها بینش‌های انتقادی را در مورد رفتار مجرم ارائه می‌دهند، تحقیقات مؤثر را تسهیل کرده و به تضمین امنیت عمومی کمک می‌کنند؛ در حالی که چالش‌های اخلاقی ذاتی در کاربرد آنها را بررسی می‌نمایند. با پیشرفت فناوری و متدولوژی‌ها، این زمینه‌ها به چگونگی رویکرد مجریان قانون به حل جرم در محیط‌های پیچیده‌تر ادامه می‌دهند. در برخی موارد، روان‌شناسان جنایی با تمرکز بر موضوعات خاص، مانند تحلیل رفتارهای مجرمانه، دیدگاه‌های ویژه‌ای ارائه کرده‌اند که منجر به شکل‌گیری مکاتب و رویکردهای متنوع در پروفایل‌سازی جنایی شده است (شیخ، ۱۴۰۳). گرچه مجازات برای جرائم مختلف در قانون تدوین شده بود؛ اما کم‌کم تفاوت‌های فردی نیز اهمیت پیدا کرد و برای تصمیم‌گیری به مشورت و اطلاعات بیشتری نیاز بود. در دادگاه‌ها بین کارشناسان پزشکی و قضات در مورد توانایی و صلاحیت آنها در تصمیم‌گیری، تضاد ایجاد شد و در نتیجه در پایان قرن نوزدهم، روانشناسی جنایی برای برآوردن نیازها و رفع کمبودهای قوانین کیفری، اهمیت زیادی پیدا کرد. پس می‌توان چنین گفت: پروفایل جنایی، یکی از زیرمجموعه‌های روانشناسی جنایی است و امروزه در دستگاه عدالت، غیرقابل انکار است.^۲

۴-۵. دیدگاه اسلام در مورد شخصیت مجرم

سوق دادن انسان به‌سوی کمال نهایی، نقش مهمی در پیشگیری از وقوع جرائم و انحرافات اجتماعی دارد. این احکام در منابع دینی، در قالب واجبات و محرمات مطرح شده که رعایت آنها ضروری است و نقض آنها علاوه بر عقوبت اخروی، موجب مجازات دنیوی نیز می‌شود. علمای اسلام از قدیم، گناهان را بر دو گونه تقسیم نموده‌اند: گناهان کبیره و گناهان صغیره. این تقسیم‌بندی از قرآن و روایات سرچشمه گرفته است. قرآن می‌فرماید: «ان تجتنبوا کبایر ما تنهون عنه...» (نساء، ۳۱). همچنین در آیه ۳۷ سوره شوری می‌فرماید: «والذین یجتنبون کبایر الاثم والفواحش». مفهوم جرم و مجرم در قرآن کریم، عام و وسیع‌تر از مفهوم آن در حقوق جزا است. در قرآن کریم، مجرم گاهی در مقابل مؤمن به‌کار رفته است. گاهی مجرم به معنای مفتری و مکذب آمده است؛ در مواردی نیز، مجرم به معنای مستکبر و مترف به‌کار رفته است. در حقوق جزای اسلامی، برخی گناهان مانند سرقت و زنا به‌عنوان جرم شناخته می‌شوند، اما قرآن کریم به

1. Modern Law enforcement in The Criminal Justice System

۲. می‌تواند یکی از اجزای لاینفک عدالت کیفری مدرن تلقی گردد.

آن‌ها صراحتاً «جرم» اطلاق نمی‌کند و بیشتر بر ماهیت گناه‌گونه آن‌ها تأکید دارد. در مقابل، برخی رفتارها از منظر قرآن جرم محسوب می‌شوند، اما در اصطلاح حقوقی مدرن به‌عنوان جرم نامیده نمی‌شوند. مجازات‌های مربوط به این گناهان معمولاً شامل حد (مجازات‌های مشخص شرعی) و تعزیر (مجازات‌های غیرمشخص) می‌شود. در فقه اسلامی، هرکدام از این گناهان بسته به نوع و شدت آن، مجازات خاصی دارند که باید توسط قاضی یا مقام ذی‌صلاح تعیین گردد. این گناهان نه تنها در متون دینی، بلکه در فقه اسلامی نیز مورد بررسی قرار گرفته و فقها براساس آیات قرآن و احادیث معصومین (ع)، حکم‌های مربوط به آنها را استخراج کرده‌اند. گناهان کبیره که از آن به‌عنوان جرم‌های سنگین یاد شده و مجازات‌های خاصی برای آنها تعیین شده که در مصادیق مستقیم یا غیرمستقیم، جرم‌انگاری شده‌اند:

♦ **شُرک:** بزرگ‌ترین گناه در اسلام است که به‌معنای پرستش غیر از خداوند می‌باشد. قرآن می‌فرماید: «کسی که برای خدا شریک قرار دهد، خداوند بهشت را بر او حرام می‌کند» (مائده، ۷۲). اینجا در مبانی حقوق جزا می‌تواند به خروج از اسلام و ارتداد تعبیر گردد؛ پس در این مفهوم، جرم‌انگاری شده است.

♦ **قتل نفس:** کشتن انسان بی‌گناه یکی از بزرگ‌ترین گناهان است که مجازات سختی دارد. قرآن می‌فرماید: «هرکس فرد مؤمن را عمدتاً به قتل برساند، عذابش آتش دوزخ خواهد بود» (نساء، ۹۳)؛ که کاملاً مشخص است در تمامی نظام‌های حقوقی بلااستثناء جرم‌انگاری شده است.

♦ **زنا:** این عمل نیز به‌شدت در قرآن مذمت شده و مجازات آن در آیه (۲) سوره نور ذکر شده است. که در نظام اسلامی کاملاً جرم‌انگاری شده و در دیگر نظام‌های حقوقی تحت شرایط خاص به‌عنوان جرم معرفی گردیده است.

♦ **سرقت:** در آیه ۳۸ سوره مائده آمده است: «دست مرد و زن سارق را قطع کنید». از جرائم علیه امنیت اموال و مالکیت می‌باشد. در اکثر نظام‌های حقوقی، این عمل که از گناهان کبیره نیز می‌باشد نوعاً جرم‌انگاری شده است.

♦ **عقوق والدین:** آزار والدین و نیکی نکردن به آنها نیز از گناهان کبیره محسوب می‌شود (مریم، ۳۲). اگر در قالب توهین و تهدید و ایجاد مزاحمت برای والدین باشد؛ قابل شکایت و بررسی کیفری می‌باشد.

♦ **خوردن مال یتیم:** این عمل نیز به‌عنوان یک جرم بزرگ شناخته شده و مجازات‌های سنگینی برای آن تعیین شده است. در این مورد، می‌تواند در قالب خیانت در امانت و امثالهم محقق گردد.^۱

♦ **شراب‌خواری و قمار:** این دو عمل نیز در قرآن به‌شدت مذمت شده و از گناهان کبیره محسوب می‌شوند (مائده، ۹۰). در نظام‌های حقوقی اسلامی معمولاً جرم‌انگاری مستقیم شده است و ...

با گذشتن از مصادیق آن، اگر بخواهیم به احساس ناشی از گناه در منظر روانشناسی بپردازیم، باید

۱. به قوانین موضوعه در خصوص نصب قیم یا امین برای چنین افرادی و جرائم مرتبط با آن رجوع گردد.

گفت: «احساس گناه» اغلب به صورت وسواس و به شکل سرزنش خود بروز می کند و در نهایت، شرم و خجالت از کارهایی که برای حفاظت از خود کرده، جای آن را می گیرد. چنین احساسی در روان کاوی، توضیحات متعددی دارد. فروید معتقد است: «سرزنش خود، سرزنشی است علیه یک ابژه مورد علاقه که ایگو آن را مغلوب کرده است. شکایت ها، به ویژه مواردی که در بیماران حاد وجود دارد، معمولاً محکومیت به ارتکاب جرم است. در این حالت، این احساس گناه، پیوندی است که رابطه محاکمه گونه بین سوپرایگو و ایگو را نشان می دهد». احساس گناه، از تجربه های رایج زندگی دین دارانه است (میرانی، ۱۳۹۸، ص ۲۶۵). هرچند برخی در این مورد، از نظریه سازی بودن احساس گناه و غیرسازشی بودن شرم، حمایت می کنند (بیک و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۶۰). احساس گناه به عنوان یک هیجان منفی تعریف می شود که با سرزنش خود و تمایل به مجازات همراه است. این احساس می تواند به دو نوع تقسیم شود:

✦ **احساس گناه سالم:** این نوع احساس گناه، زمانی بروز می کند که فرد به خاطر یک اشتباه واقعی احساس پشیمانی کند. این احساس می تواند به فرد کمک کند تا از اشتباهات خود درس بگیرد و در آینده رفتار بهتری داشته باشد.

✦ **احساس گناه ناسالم:** این نوع احساس گناه به خاطر کارهای درستی که فرد انجام داده، اما فکر می کند اشتباه بوده اند، ایجاد می شود. برای مثال، اگر فردی به درخواست دوستی پاسخ منفی دهد، ممکن است دچار احساس گناه شود، هرچند که تصمیم او منطقی بوده است.

احساس گناه مربوط به جرم می تواند به روش های مختلف ظاهر شود و بر قربانیان و مجرمان تأثیر بگذارد. تحقیقات نشان می دهد که گناه، یک پاسخ عاطفی پیچیده است که می تواند توسط زمینه جرم، وضعیت روانی فرد و ادراک های اجتماعی شکل گیرد. قربانیان جرائم، به ویژه در موارد حساس مانند تجاوز، اغلب احساس گناه تحمیل شده توسط هنجارهای اجتماعی و فرایندهای دادگاه را گزارش می دهند. این خودسرزنشی می تواند آسیب آنها را تشدید کند (Jacobsson, 2023, p. 237). مجرمان گناهکار ممکن است با توجه به ماهیت و تعداد جرائم مرتکب شده، گناه را به طور متفاوتی تجربه کنند. تحقیقات نشان می دهد که افراد درگیر جنایات متعدد اغلب، پروفایل های روان شناختی متفاوتی دارند (Kaya & et al., 2023, p. 36).

۴-۶. جایگاه بازگشت و اصلاح مجرم در نگاه قرآن و روایات

در اسلام، اصلاح مجرمین و توبه به عنوان دو مفهوم اساسی و مرتبط با یکدیگر در نظر گرفته می شوند. قرآن کریم و متون فقهی به وضوح بر اهمیت این دو مفهوم تأکید دارند و آنها را برای تحقق عدالت اجتماعی و روحانی ضروری می دانند. توبه به معنای بازگشت از گناه به سوی خداوند است. این عمل

نه تنها یک اقدام فردی برای جبران اشتباهات گذشته است؛ بلکه به عنوان یک راهکار برای اصلاح رفتار و جلوگیری از تکرار جرم نیز تلقی می شود. در قرآن کریم، توبه به عنوان یکی از درهای رحمت الهی معرفی شده که خداوند به بندگان خود برای نجات از معصیت عطاء کرده است. توبه در آیات مختلف قرآن، به ویژه در آیه ۷۰ سوره فرقان، به عنوان شرطی برای بخشش گناهان مطرح شده است: «إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا». این آیه نشان می دهد که توبه بدون اصلاح رفتار هیچ ارزشی ندارد و باید با عمل صالح همراه باشد. در خصوص توبه می توان گفت، یکی از آموزه های تربیتی و اخلاقی و مهم قرآن کریم و روایات اسلامی است (آقاپور و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۲۸). در منظر برخی فقها توبه به ندامت و عزم بر عدم انجام فعل غیر شرعی معنا شده است (محقق، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۱۰۰). توبه یکی از اسباب شرعی تخفیف یا سقوط مجازات و از تأسیسات فقه اسلامی است و قرآن در آیات متعددی انسان ها را به توبه تشویق کرده و تواین را با مطهرین برابر قرار داده است (ناصری و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۶۸۵). شیخ بهایی آن را به بازگشت بنده تعبیر می کند (شیخ بهایی، ۱۴۳۱ق، ص ۴۵۸). اصلاح مجرمین در حقوق اسلامی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. هدف اصلی مجازات ها در اسلام، علاوه بر تنبیه، اصلاح و تربیت مجرمان است؛ تا آنها بتوانند به جامعه بازگردند و از ارتکاب جرم دوباره پرهیز کنند. فقها بر این باورند که توبه باید با اصلاح رفتار همراه باشد؛ در غیر این صورت، نمی توان انتظار داشت که مجرم به طور واقعی از گناهان خود پشیمان شده باشد. بنابراین، اصلاح رفتار به عنوان شرط اصلی تحقق توبه شناخته می شود. در مواردی که مجرم قبل از اثبات جرم (قیام بینة) اقدام به توبه کند؛ در این صورت، طبق فقه اسلامی، ممکن است مجازات او ساقط شود. اما اگر توبه پس از قیام بینة انجام شود، قاضی مختار است که مجازات را اعمال کند یا از آن صرف نظر نماید. لزوم اصلاح مجرمین و توبه در اسلام نه تنها برای جبران اشتباهات فردی، بلکه برای حفظ سلامت اجتماعی و اخلاقی جامعه ضروری است. این دو مفهوم باید همواره در کنار یکدیگر مورد توجه قرار گیرند؛ تا بتوانند تأثیر مثبتی بر زندگی فردی و اجتماعی افراد داشته باشند.

توبه و اصلاح به نحوی لازم و ملزوم یکدیگر هستند؛ لذا، در آیات قرآن توبه و اصلاح عمل در کنار یکدیگر آمده اند. توبه از مسائل مهمی است که به عنوان یک امتیاز ارزشی در مکتب اسلام به آن پرداخته شده و در فقه و قانون کشور ایران که برگرفته از فقه امامیه است در حدود و تعزیرات، باعث سقوط مجازات و تخفیف آن می گردد، لکن رکن اصلی وقوع توبه را احرار اصلاح پس از آن تبیین نموده اند؛ ولی راهی برای چگونگی احرار اصلاح بیان نشده است. با بررسی قوانین ملاحظه می شود که برای رسیدن به حقیقت اصلاح متهم، می توان از پرونده های شخصیت متهمین وفق ماده ۲۰۳ قانون آئین دادرسی کیفری و یا پرونده های مددکاری زندانیان کمک گرفت؛ هرچند این راه حل نیز دارای مشکلاتی است. لذا، بهتر بود که قانون گذار به جای سکوت در این مورد، عدم تکرار جرم در زمان مشخص را به عنوان راه حلی در این

مسئله در نظر می‌گرفت. بخشش به‌عنوان یک فرآیند روان‌شناختی می‌تواند به کاهش احساسات منفی مانند کینه و انتقام‌جویی کمک کند. وقتی فردی بخشیده می‌شود، این عمل می‌تواند باعث تغییر در نگرش او نسبت به خود و جامعه شود و به افزایش احساس آرامش و رضایت از زندگی منجر گردد. مطالعات نشان داده‌اند که بخشش می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای درمان اختلالات روانی مورد استفاده قرار گیرد و فشار روانی را کاهش دهد (سرخوش و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱).

از نظر اجتماعی، بخشش می‌تواند به ایجاد صلح و آشتی بین افراد کمک کند. این عمل نه‌تنها روابط بین فرد خاطی و قربانی را بهبود می‌بخشد؛ بلکه می‌تواند منجر به کاهش نرخ جرم در جامعه شود. عفو و گذشت از دیدگاه اسلامی نیز به‌عنوان یک رفتار پسندیده شناخته می‌شود که موجب پاک‌شدن گناهان و جلوگیری از تکرار جرم می‌گردد. در خصوص برخی از مجرمین، برخورد صحیح و اصولی با آنها و جلوگیری از تکرار جرم، تأثیر به‌سزائی در تأمین بخش مهمی از امنیت جامعه دارد (قدسی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۳۲). در متون دینی، بخشش به‌عنوان یک عمل نیکو مورد تأکید قرار گرفته است. در قرآن کریم، عفو و گذشت از خطاهای دیگران نه‌تنها مورد تشویق قرار گرفته، بلکه به‌عنوان عاملی برای پاک‌شدن گناهان شناخته شده است. این آموزه‌ها نشان می‌دهند که افرادی که از حق خود در قصاص می‌گذرند، امیدوارند که خداوند نیز از گناهان آنها بگذرد و این عمل می‌تواند منجر به کاهش تکرار جرم شود. در مقابل، برخی نظریه‌ها بر این باورند که احساس گناه می‌تواند پیش از ارتکاب رفتار مجرمانه شکل گیرد. فروید در این زمینه معتقد است که در برخی افراد، احساس گناه پیشینی وجود دارد و همین امر آنان را به سوی ارتکاب جرم سوق می‌دهد تا بدین وسیله برای احساس گناه موجود، دلیل و توجیهی بیابند. این دیدگاه، درک متعارف از گناه را به‌عنوان واکنشی به اشتباه به چالش می‌کشد و نشان‌دهنده تعامل پیچیده‌تر بین گناه و جرم است (Wood, 2014, p. 136). فیلسوفانی مانند داستایفسکی و تولستوی دیدگاه‌هایی متضاد در مورد گناه ارائه می‌دهند؛ داستایفسکی آن را به سقوط معنوی و مسئولیت شخصی مرتبط می‌کند، در حالی که تولستوی بر بستر اجتماعی جنایت تأکید می‌کند (Kiryakin, 2023, p. 49). قرآن کریم بر اجرای عدالت و کیفرهای مشخص برای مجرمان تأکید دارد. خداوند در سوره مائده، مؤمنان را به قیام برای خدا و شهادت به عدالت دعوت می‌کند و تأکید می‌کند که نباید دشمنی‌ها مانع از اجرای عدالت شود. همچنین، عفو و اصلاح نیز در مواجهه با مجرمان مورد تأکید قرار گرفته است؛ به‌طوری که آیات مختلفی بر اهمیت عفو و اصلاح در برابر بدی‌ها اشاره دارند. قرآن کریم به اصلاح مجرمین توجه ویژه‌ای دارد و این موضوع در آیات مختلف به‌وضوح بیان شده است. اصلاح مجرمین نه‌تنها به‌عنوان یک هدف اجتماعی، بلکه به‌عنوان یک وظیفه دینی و اخلاقی در اسلام مطرح می‌شود. اصلاح در قرآن به‌معنای برطرف کردن فساد و ناپسندی‌ها و هدایت افراد به‌سوی رفتارهای درست و شایسته است. واژه «اصلاح» و مشتقات آن در قرآن بیش از ۱۸۰ بار ذکر شده است؛ که نشان‌دهنده اهمیت این مفهوم در تعالیم اسلامی است.

رویکرد قرآن نسبت به مجرمین

عفو و گذشت: قرآن کریم بر اهمیت عفو تأکید دارد: «جزاء سیئة سیئة مثلها فمن عفی و اصلح فأجره علی الله» (شوری، ۴۰)، که به معنای این است که هرکس بدی را عفو کند و اصلاح نماید، پاداشش بر خداست.
امر به معروف و نهی از منکر: یکی از اصول بنیادین در دین اسلام، امر به معروف و نهی از منکر است. این مفهوم نه تنها شامل دعوت به خوبی‌ها می‌شود، بلکه شامل تلاش برای اصلاح رفتارهای ناپسند نیز است. پیامبران نیز به عنوان مصلحان اجتماعی شناخته می‌شوند.
پیشگیری از جرم: قرآن همچنین بر پیشگیری از وقوع جرم تأکید دارد. با آموزش‌های اخلاقی و دینی، تلاش می‌شود.
مجازات به عنوان ابزار اصلاح: باید عادلانه باشد و هدف آن بازپروری مجرمین باشد.

قرآن کریم به اصلاح مجرمین نه تنها به عنوان یک عمل فردی، بلکه به عنوان یک وظیفه اجتماعی نگاه می‌کند. این اصلاح شامل عفو، آموزش، پیشگیری از جرم و استفاده از مجازات‌های عادلانه برای هدایت مجرمان به سوی رفتارهای صحیح است. قرآن کریم در مورد اصلاح در جامعه به عنوان راه نجات، دقیقاً به «اصلاح اجتماعی» نظر دارد، که در قالب جدول (۱) آمده است.

آیه ۵۶ سوره اعراف: «وَلَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ يَغْدِرُ بِهَا مَلِكُهَا».
این آیه به نهی از فساد در زمین پس از اصلاح آن اشاره دارد و نشان‌دهنده اهمیت حفظ اصلاحات اجتماعی است.

آیه ۱۱۷ سوره هود: «فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ».
این آیه به ضرورت وجود مصلحان اجتماعی در میان امت‌ها اشاره می‌کند و بر اهمیت تلاش برای جلوگیری از فساد تأکید دارد.

آیه ۸ سوره مائده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ».
این آیه مؤمنان را به قیام برای عدالت و اصلاح دعوت می‌کند و بر مسئولیت اجتماعی تأکید دارد.

آیه ۲ سوره بقره: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ».
این آیه بر همکاری در نیکوکاری و پرهیز از گناه تأکید دارد که یکی از اصول بنیادین اصلاح اجتماعی است.

آیه ۹۰ سوره نحل: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ».
این آیه به عدالت و احسان دستور می‌دهد که اساس هر نوع اصلاح اجتماعی را تشکیل می‌دهد.

آیات
مرتبط با
اصلاح
اجتماعی

قرآن کریم با ارائه آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی، به مؤمنان توصیه می‌کند که در راستای اصلاح جامعه تلاش کنند. این اصلاحات شامل جلوگیری از فساد، ترویج عدالت، همکاری در کارهای نیکو و حمایت از یکدیگر است. آیات مذکور نمایانگر رویکرد جامع قرآن نسبت به ایجاد یک جامعه سالم و پویا هستند که براساس اصول اخلاقی و انسانی بنا شده است. حقوق متهم در نظام قانون‌گذاری اسلامی که بر مبنای اصل کرامت انسانی، اصل عدالت و امنیت قضایی پایه‌ریزی شده، عبارت است از: مجموع احکام و اصول شرعی از ناحیه شارع مقدس که مفسده‌ای را از کسی که فعل یا ترک فعل حرام مستوجب مجازات به او نسبت داده شده، دفع می‌کند و یا اینکه مصلحتی را متوجه او می‌سازد. دفع مفسده، مانند عدم جواز شکنجه برای کسب اقرار و جلب مصلحت، مانند حق دفاع یا اجرای اصل برائت در حق متهم است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «خداوند برای شما شهری را الگو معرفی کرده که در آن امنیت بسیار حکم‌فرما بود و مردم آن در آسایش و اطمینان زندگی می‌کردند و از هر جانب، روزی فراوان به آنان می‌رسید» (نحل، ۱۱۲).

۴-۷. مقایسه دیدگاه روانشناسی با آموزه‌های اسلامی در اصلاح مجرمین

دیدگاه روانشناسی جنایی و آموزه‌های اسلامی اگرچه از حیث مبانی معرفت‌شناختی و اهداف نهایی دارای تفاوت‌های بنیادین اند؛ اما در زمینه اصلاح مجرم، نقاط اشتراک مهمی دارند. روانشناسی جنایی، با تکیه بر داده‌های تجربی، تلاش می‌کند علل رفتارهای مجرمانه را در ساختارهای روانی، اجتماعی و زیستی افراد جست‌وجو کند و سپس، با استفاده از مداخلات درمانی و رفتاری، زمینه بازپروری فرد بزهکار را فراهم آورد (Daly & Wilson, 1997). از سوی دیگر، آموزه‌های اسلامی نیز هدف نهایی از مجازات را اصلاح مجرم و بازگرداندن او به مسیر صحیح می‌دانند و به همین دلیل، نهاد توبه و رأفت در کنار عدالت، از ارکان مهم نظام کیفری اسلام محسوب می‌شود (آقاپور و پورجمال، ۱۴۰۰، ص ۲۹). در روانشناسی جنایی، شخصیت بزهکار با روش‌هایی چون آزمون‌های روان‌سنجی، مصاحبه‌های بالینی و تحلیل رفتارهای گذشته مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این علم بر وجود اختلالاتی مانند اختلال شخصیت ضداجتماعی^۱ یا رفتارهای تکانشی تأکید دارد که می‌توانند نقش مهمی در ارتکاب جرم ایفا کنند؛ در حالی که براساس آیه ۷۰ سوره فرقان می‌توان گفت، آموزه‌های اسلامی بر زمینه‌های معنوی، اخلاقی و ارادی فرد تأکید داشته و باور دارند که با هدایت درونی، تربیت دینی و فرصت توبه، حتی شدیدترین گناهکاران نیز قابل اصلاح‌اند. تفاوت اصلی در اینجا است که روانشناسی جنایی، فرآیند اصلاح را صرفاً با معیارهای رفتاری و علمی می‌سنجد؛ در حالی که در اسلام، اصلاح علاوه بر تغییر رفتار، مستلزم تحول قلبی و بازگشت به ارزش‌های الهی است. همچنین، در حالی که در نظام‌های سکولار، اصلاح مجرم‌گاه

1. ASPD

با اجبار و الزام همراه است؛ در آموزه‌های اسلامی، ارزش اصلاح زمانی واقعی تلقی می‌شود که با اختیار، ندامت و عزم جدی برای ترک گناه همراه باشد (سرخوش و حسن‌پور اصلیل، ۱۳۹۹، ص ۲).
با این حال، هر دو رویکرد بر اهمیت شخصیت، شرایط اجتماعی و لزوم پرهیز از مجازات‌های صرفاً تنبیهی تأکید دارند. به‌ویژه در سال‌های اخیر، گرایش به عدالت ترمیمی^۱ در غرب نیز نشان‌دهنده تقارب تدریجی دیدگاه‌های سکولار با آموزه‌هایی نظیر عفو، اصلاح و کرامت انسانی است که از دیرباز در فقه اسلامی مورد توجه بوده‌اند. بازپروری مجرم‌ان، یکی از مهم‌ترین مباحث در علم حقوق و جرم‌شناسی است که به دنبال اصلاح و بازگرداندن بزهکاران به جامعه است. این فرآیند، نیازمند توجه به اصول انسانی و اجتماعی است و باید با هدف جلوگیری از تکرار جرم و بهبود رفتار بزهکاران طراحی شود. این اهمیت در نظام اسلامی با تکیه بر اصول خاصی نمود می‌یابد که در ادامه بررسی می‌شود. در نظام اسلامی، برخورد با گنهکاران و بزهکاران باید به گونه‌ای باشد که کرامت ذاتی آنها حفظ شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۴، ص ۶۵). مجازات‌ها نباید به سلب آزادی یا حذف آنها محدود شوند؛ بلکه باید براساس اصول انسانی و با هدف اصلاح رفتار طراحی شوند. از این‌رو است که شناخت شخصیت و علل ارتکاب جرم پس از اولین جرم، می‌تواند در فرآیند بازپروری بسیار مؤثر باشد. این شناخت باید براساس دستاوردهای جرم‌شناسی بالینی صورت پذیرد (Holmes & Holmes, 2008, p. 45). در بسیاری از موارد (مثلاً برخی گناهان تعزیری جرم‌انگاری شده)، استفاده از نهادهای جایگزین مانند خدمات عمومی یا تعلیق مجازات می‌تواند به بازپروری کمک کند. این روش‌ها معمولاً اثرات مثبت‌تری نسبت به مجازات‌های سالب آزادی دارند (Tonry, 2011, p. 112).

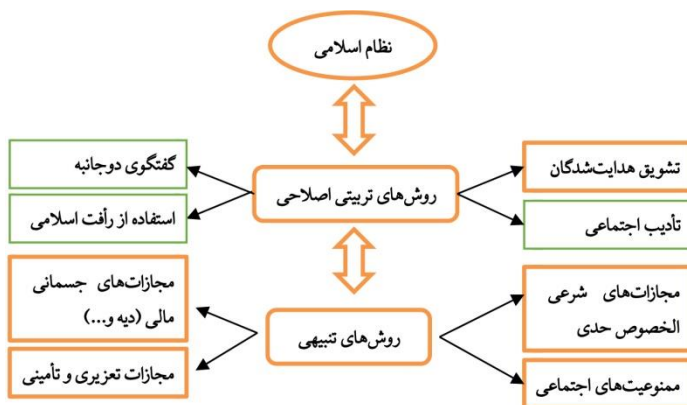
آنچه در نهادهای عدالت کیفی، به‌ویژه در نظام اسلامی، باید در برخورد با بزهکاران مدنظر قرار گیرد، اصول زیر است:

اجتناب از پیش‌داوری: رفتار با متهمین نباید به گونه‌ای باشد که آنها را از ابتدا گناهکار تشخیص دهد. اصل برائت باید رعایت شود تا امکان اصلاح و بازپروری (براساس رأفت اسلامی) فراهم گردد (حبیب‌زاده، ۱۳۹۷، ص ۳۸).

توسعه برنامه‌های آموزشی: آموزش‌های علمی و فنی برای بزهکاران می‌تواند آنها را به سمت رفتارهای اجتماعی مناسب سوق دهد و در نهایت، به کاهش تکرار جرم کمک کند (رحمدل، ۱۳۹۶، ص ۷۵).

تعامل میان نهادها: تعامل میان نهادهای مختلف مانند دادگاه‌ها، پلیس و سازمان‌های اجتماعی می‌تواند در دستیابی به اهداف بازپروری مؤثر باشد. این تعامل نیازمند برنامه‌ریزی و همکاری بین‌سازمانی است (Douglas & et al., 1992, p. 22).

بر این اساس، روش‌های عملی و دینی می‌توانند مکمل یکدیگر باشند. «عدالت کیفری اسلامی بر اصلاح مجرم و حفظ کرامت او تأکید دارد» (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۴، ص ۶۸). توجه به شخصیت بزه‌کاران، استفاده از روش‌های غیر مجازاتی، و تعامل مؤثر میان نهادهای عدالت کیفری، می‌تواند به بازپروری موفق آنها کمک کند و از تکرار جرم جلوگیری نماید (Bartol & Bartol, 2021, p. 56). در نظام اسلامی، برخورد با گنهکاران و مجرمان دارای اصول و روش‌های مشخصی است که بر مبنای آموزه‌های قرآن و سیره پیامبر اسلام و اهل بیت (ع) شکل گرفته است. به عنوان مثال، قرآن کریم می‌فرماید: «فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» (شوری، ۴۰)، که به معنای تشویق به عفو و اصلاح است، و این روش‌ها معمولاً اثرات مثبت‌تری نسبت به مجازات‌های سالب آزادی دارند (Tonry, 2011, p. 112).



۵. نتیجه‌گیری

در مجموع، برخورد با گنهکاران در نظام اسلامی باید متناسب با نوع جرم و شرایط فرد باشد. این برخورد می‌تواند هم شامل روش‌های تربیتی (نظیر گفت‌وگو و تشویق) باشد و هم شامل مجازات‌های تنبیهی (نظیر قصاص و تنبیه بدنی). هدف اصلی این رویکردها، اصلاح فرد و حفظ امنیت جامعه است (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۲۵). برخورد فقهی مبتنی بر احکام و قوانین شرعی در متون دینی مشخص شده‌اند. این احکام شامل حدود، قصاص، و تعزیرات می‌شوند که به‌طور واضح برای مجازات جرائم تعیین شده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۵۰). رویکرد دیگر، برخورد اخلاقی بوده که بیشتر براساس اصول انسانی و اجتماعی بنا شده است. این رویکرد به رفتارها و نگرش‌های فردی وابسته است و به اصلاح فرد از طریق آموزش، محبت و ترغیب به نیکی تأکید دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۲۲۰). با بررسی این رویکردها و مقایسه با مطالعات دیگر روشن می‌شود که دیدگاه روانشناسی جنایی و آموزه‌های اسلامی، اگرچه از حیث مبانی معرفت‌شناختی و اهداف نهایی دارای تفاوت‌های بنیادین‌اند؛ لیکن در برخی اصول مانند توجه به شخصیت مجرم و پرهیز از مجازات صرفاً تنبیهی، مشترک‌اند. یافته‌های این

پژوهش که بر تطبیق پروفایل جنایی با اصول توبه و اصلاح تأکید دارد، با نتایج رحمدل (۱۳۹۶)، هم‌راستا است که بر اهمیت برنامه‌های آموزشی در بازپروری مجرمان تأکید کرده است. همچنین، نجفی ابرندآبادی (۱۳۹۴) بر حفظ کرامت انسانی در نظام عدالت کیفری اسلامی صحّه گذاشته که با تأکید این مطالعه بر رویکرد انسانی همسو است. با این حال، برخلاف تونری (۲۰۱۱) که اثربخشی مجازات‌های جایگزین را بیشتر در چارچوب داده‌های آماری بررسی کرده، این پژوهش بر جنبه‌های معنوی و دینی مانند توبه تمرکز دارد. این همگرایی می‌تواند به توسعه الگویی تلفیقی منجر شود که ضمن رعایت عدالت، بر اجتناب از پیش‌داوری، توسعه آموزش و تعامل بین‌نهادی تأکید دارد. تلفیق پروفایل جنایی با اصول اسلامی می‌تواند سیاستی کارآمد و انسانی برای بازپروری مجرمان ارائه دهد؛ مشروط به تکمیل آن با مطالعات میدانی در آینده.

منابع

قرآن کریم.

آقاپور، علی؛ پورجمال، یعقوب (۱۴۰۰). جایگاه نهاد توبه در سقوط مجازات حد از منظر فقه و قانون. فقه و حقوق نوین، ۲(۸).

ابراهیمی، زهرا (۱۴۰۰). پاسخ به شبهاتی در ارتباط با برخورد با مجرمان در نگاه دین. قابل دسترس در: <https://mehrnews.com/xW2gL>

ارمی، ابوالقاسم؛ وحدتی شبیری، سید حسن (۱۳۹۸). بررسی مبانی و ادله دام‌گستری در متون دینی. پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۸(۱)، ص ۸۳-۱۰۸.

بیک، محمدتقی؛ آقابابایی، ناصر؛ فتحی آشتیانی، علی (۱۳۹۴). رابطه احساس گناه و شرم با دینداری و سلامت روان. پژوهشنامه روانشناسی اسلامی، ۱(۱).

جاویدی، مجتبی (۱۳۹۷). علت‌شناسی جنایی در سنجح حکمت اسلامی. مطالعات حقوقی، ۱۰(۲۹).

جمشیدی، جواد (۱۳۹۵). بررسی ویژگی‌های منافقان در قرآن کریم. پویش در آموزش علوم انسانی، ۱(۲)، ص ۳۵-۴۴.

حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۹۷). اصل برائت در حقوق کیفری اسلامی. فقه و حقوق اسلامی، ۹(۱)، ص ۳۵-۴۵.

حسن‌زاده، صالح (۱۳۹۲). نحوه برخورد با بغات در فقه با تکیه بر قرآن کریم. سراج منیر، شماره ۱۲.

خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱ق). تحریر الوسیله. قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲.

رحمدل، منصور (۱۳۹۶). بازپروری مجرمان از منظر جرم‌شناسی. تحقیقات حقوقی، ۱۲(۳)، ص ۶۵-۸۰.

سرخوش، جواد؛ حسن‌پور اصیل، سودابه (۱۳۹۹). تبیین ماهیت اصلاح مجرم و مصادیق آن در تأثیرگذاری توبه در محاکم. در: شیراز: نخستین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ.

شیخ بهائی، محمد (۱۴۳۱ق). الأریعون حدیثا. محقق: القسم الثقافی لجماعة العلماء والمدرسين فی الحوزة العلمية بقم المقدسة. قم: جماعة العلماء والمدرسين فی الحوزة العلمية.

شیخ، سعید (۱۴۰۳). تحلیل فقهی - حقوقی خشونت جنسی علیه زنان با تأکید بر روانشناسی جنایی در پرتو اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی. رسالت حقوق کیفری، ۶(۱۲)، ص ۱-۲۵.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰). تفسیر المیزان. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۶.

قدسی، ابراهیم؛ قلی‌زاده، بهروز؛ شیخ اسلامی، عاطفه (۱۴۰۰). پیشگیری از تکرار جرم با حفظ کرامت انسانی بزهکار با نگاهی به آموزه‌های جرم‌شناختی. پژوهش‌های حقوقی، ۲۰(۴۵).

کارگری، نوروز (۱۴۰۲). علت‌یابی اقدامات تروریستی بر پایه نظریات جرم‌شناختی. تحقیقات حقوقی، ۲۶(۱۰۱).

کریم‌پور، نسرين؛ فرامرزی بابادی، محمد (۱۴۰۲). جرم‌انگاری از دیدگاه روانشناسی مطابق قوانین ایران. در: مجموعه مقالات سومین کنفرانس بین‌المللی علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره، آموزش و پرورش.

محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۲۹ق). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث، ج ۴.

میرانی، ارسطو (۱۳۹۸). خاستگاه روانی احساس گناه در عهد عتیق و عهد جدید: رهیافتی روان‌کاوانه. پژوهشنامه ادیان، ۱۳(۲۵)، ص ۲۶۵-۲۸۹.

- ناصری، جعفر؛ ناظمی اشنی، محمدحسین؛ سلیمی، علیرضا؛ حسینی، سید علیرضا (۱۳۹۹). جایگاه توبه در سقوط جرایم علیه امنیت ملی از منظر فقهی و حقوقی. پژوهش‌های فقهی، ۱۶(۴).
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۴). جرم‌شناسی و عدالت کیفری/اسلامی. تهران: انتشارات میزان.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۴۱.
- Bartol, C.R. & Bartol, A.M. (2021). *Criminal behavior: A psychological perspective*. 12th ed. Boston: Pearson.
- Canter, D. (2000). Offender profiling and criminal differentiation. *Legal and Criminological Psychology*, 5(1). <https://doi.org/10.1348/135532500167958>
- Daly, M. & Wilson, M. (1997). Crime and Conflict: Homicide in Evolutionary Psychological perspective. *Crime and Justice*, no. 22. <https://doi.org/10.1086/449260>
- Devery, C. (2010). Criminal profiling and criminal investigation. *Journal of Contemporary Criminal Justice*, 26(4). <https://doi.org/10.1177/1043986210377108>
- Douglas, J.E. & Burgess, M. (1986). Criminal Profiling - A Viable Investigative Tool Against Violent Crime. *FBI Law Enforcement Bulletin*, 55(12).
- Douglas, J.E., Burgess, A.W., Burgess, A.G. & Ressler, R.K. (1992). *Crime classification manual: A standard system for investigating and classifying violent crimes*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Holmes, R.M. & Holmes, S.T. (2008). *Profiling violent crimes: An investigative tool*. 4th ed. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Jacobsson, M. (2023). Experience of guilt in court hearings-Comparing rape, assault, and fraud cases. *International Journal of Social Welfare*, 33(1). <https://doi.org/10.1111/ijsw.12598>
- Kaya, Ş., Tasic, G., Baykara, S., Kilic, N. & Özsoy, F. (2023). Feelings of guilt, shame, and forgiveness of the detainees and convicts in a psychiatric prisoner's service. *Family Practice and Palliative Care*, 8(2). <https://doi.org/10.22391/fppc.1219568>
- Kiryakin, A. (2023). Guilt and Responsibility for Crime in the Philosophical Views of L.N. Tolstoy and F.M. Dostoevsky. *Logos et Praxis*, p. 49-59. <https://doi.org/10.15688/lp.jvolsu.2023.2.6>
- Tonry, M. (2011). *Punishment and crime: The limits of punitive crime control*. Oxford: Oxford University Press.
- Turvey, B.E. (2011). *Criminal profiling: An introduction to behavioral evidence analysis*. Academic press.
- Wood, H. (2014). *Internet offenders from a sense of guilt* Routledge eBooks.